

تهیه کننده: محمود کرمی / زنجان / خدابنده

ویژگی های تمدن اسلامی (به نقل از دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب کارنامه اسلام):

- ✓ تمدن اسلامی؛ ترکیب کننده و تکمیل کننده فرهنگ های قدیم شرق و غرب بود و نه تقلید کننده صرف و ادامه دهنده محض آنها.
- ✓ دوره کمال تمدن اسلامی، دوره سازندگی بود؛ دوره ای که طی آن یک فرهنگ جهانی و انسانی با ترکیب و تکاملی از عناصر مختلف یونانی، هندی، ایرانی و حتی چینی شکل گرفت.
- ✓ اهمیت تمدن اسلامی در ترکیبی بودن آن از یکسو و بنیاد و اساس اسلامی آن از سوی دیگر است. بنیاد و اساسی که ارزش جهانی و انسانی دارد.
- ✓ آنچه تمدن اسلامی را جهانی کرد، شوق و اراده کسانی بود که از هر قوم و ملتی منادی اسلام و جهت گیری الهی و انسانی آن، بوده اند.
- ✓ جامعه اسلامی بعنوان وارث تمدن عظیم اسلامی، جامعه ای بود که در اصل، مرکز آن قرآن بود و نه شام و عراق. در سرتاسر این جامعه اسلامی، یک قانون اساسی وجود داشت و آن قرآن بود.
- ✓ در قلمرو جهان اسلام به سبب وجود مدارا و وحدت، خبری از سوگیری ها و تعصبات قومی، نژادی، جغرافیایی (شرقی / غربی)، زبانی و ... نبود. بعنوان مثال: در مصر یک خراسانی و در هند یک ترک حکومت می کرد. غزالی در بغداد کتابی در انکار فلسفه می نوشت و در اندلس ابن رشد به آن پاسخ میداد (مصادیقی از مناسبات و روابط فرا قومیتی، فرا نژادی، فرا زبانی، فرا جغرافیایی و ... در جهان اسلام).
- ✓ تا وقتی که جامعه اسلامی به سبب مدارا و وحدت در داخل، از همکاری تمام عناصر جامعه بهره داشت و در خارج با دنیای غیراسلامی مرتبط بود، با قدرت و بنیة قوی به لحاظ جسمی و روحی (به لحاظ سخت افزاری و نرم افزاری) (به لحاظ عملکرد و اندیشه)، می توانست هر چیز تازه و مطبوع را هضم و جذب کند.

جامعه متمدن اسلامی: مدارا و وحدت در داخل ← جلب همدلی و همکاری تمام استعداد های موجود فارغ از رنگ، نژاد، قومیت، زبان و ... ← برخورداری از قدرت و بنیة قوی ← تعامل آگاهانه و سازنده با جوامع غیراسلامی و هضم و جذب هر عنصر یا پدیده جدید و مطبوع

بطور خلاصه تر: جامعه متمدن اسلامی: مدارا و وحدت در داخل ← تعامل سازنده با خارج

دو نکته مهم در خصوص دین اسلام:

الف) اسلام دین زندگی و حیات است نه مرگ و نیستی

ب) اسلام دین فرازمانی و فرامکانی است (به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و ویژگی حیات بخشی (زندگی بخشی) آن محدود به مکان و زمان خاصی نیست. اسلام تمام انسانها را فارغ از هر رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا و ... مخاطب خود قرار می دهد).

دو ویژگی اساسی به مثابه شاخصی از زنده و پویا بودن جهان اسلام (جهان اجتماعی اسلامی):

الف) آگاهی همراه با عمل

ب) عمل همراه با آگاهی

نکته: این دو ویژگی؛ نشانگر وجود هماهنگی و هارمونی میان ارزش ها و رفتارهاست. بنابراین تا زمانیکه پندار(افکار)، گفتار و کردار مسلمانان یکی باشد؛ جهان اسلام زنده و پویا خواهد ماند. یکی بودن این عوامل نیز به مشروعیت و مقبولیت بالای پندارها یا همان ارزش ها و افکار اسلامی در میان مسلمانان؛ وابسته است.

پیامدهای این دو ویژگی اساسی برای جهان اسلام:

دو ویژگی آگاهی همراه با عمل و عمل همراه با آگاهی، پیامدهایی مانند همبستگی، تعاون و همکاری، امید و اطمینان، توجه به آینده و برنامه ریزی را بدنبال می آورد.

اساس و پایه شکل دهی علوم و دانش ها در جهان اسلام :

جهان اسلام بر دو پایه و اساس، علوم و دانش هایی را شکل داده است :

الف) با توجه به تعریفی که از دانش علمی داشته است

ب) به تناسب جریان های فکری و اجتماعی که در درون جهان اسلام موجود بوده است.

علوم اجتماعی جهان اسلام:

علوم اجتماعی جهان اسلام همواره ناظر به مسائل و نیازهای اجتماعی و متناسب با آنها بوده است. به عبارت دیگر؛ علوم اجتماعی در جهان اسلام مسأله محور و نیاز پایه، بوده است.

ویژگی های علم فقه در جهان اسلام: (علم فقه بعنوان یکی از مهمترین شاخه های علوم اجتماعی مسلمانان):

✓ علم فقه (فقه اسلامی)؛ مسائل اجتماعی را توصیف و تبیین نمی کند اما درباره چگونگی رفتار اجتماعی مسلمانان و جامعه اسلامی، احکام و قواعدی را مطرح می کند. (علم فقه : علم تجویز رفتار اجتماعی مناسب برای مسلمانان و جامعه اسلامی برای عبور از وضع موجود به وضع مطلوب است).

✓ جامعه اسلامی با استفاده از علم فقه (شاخه علم اجتماعی مسلمانان)، رفتارها و هنجارهای اجتماعی را ارزیابی و نقد می کند و درباره آنها داور می نماید.

✓ علم فقه (فقه اسلامی)؛ نه تنها ویژگی های جامعه آرمانی و مطلوب را مشخص می کند بلکه راه های برون رفت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را تجویز می کند.

✓ در طول تاریخ، در جهان اسلام، مکاتب و مذاهب مختلف فقهی فعال بوده اند.

توضیح: دلیل پیدایش و فعالیت مکاتب و مذاهب مختلف فقهی در جهان اسلام این بوده است که در طول تاریخ در جهان اسلام، سبک های زندگی، نظام های اجتماعی و بویژه قدرت های اجتماعی مختلفی وجود داشته است، لذا در هر دوره و متناسب با هر کدام از آنها، مکاتب و مذاهب فقهی نیز ایجاد و فعال شده اند.

✓ علم فقه (فقه اسلامی)؛ با به رسمیت شناختن تفاوت های قومی، نژادی، زبانی، فقهی و ... آنها را از یک تهدید به فرصتی برای شکل گیری امت اسلامی، تبدیل نموده است.

✓ علم فقه (فقه اسلامی)، بیان کننده آرمان های اجتماعی جهان اسلام بوده است. آرمان هایی مانند: مدارای اجتماعی با مسلمانان و همه کسانی که بدنبال زندگی صلح آمیزند/ دفاع از مرزهای اسلامی در برابر تهاجم متجاوزان/ تلاش برای تحقق و گسترش عدالت و دفاع از مظلومان و ستم دیدگان جهان؛ بدون در نظر گرفتن نژاد، زبان و مذهب آنها.

نقش آفرینی فقه شیعه در ایران:

الف) دارا بودن نقش مهم در تعیین نوع رابطه مردم با قدرت های داخلی و خارجی.

ب) پدید آوردن نظریات لازم برای دو انقلاب اجتماعی در قرن بیستم میلادی در ایران (دو نظریه فقهی به دو انقلاب اجتماعی در ایران منجر شد؛ نظریه فقهی میرزای نائینی به انقلاب مشروطه و نظریه فقهی امام خمینی (ره) به انقلاب اسلامی).

توضیح: در آغاز قرن بیستم میلادی، میرزای نائینی، با استفاده از فقه و با لحاظ واقعیت های اجتماعی ایران انقلاب و نظام مشروطه را تبیین کرد و امام خمینی (ره)، با توجه به شرایط اجتماعی پایان قرن بیستم، مسئله ولایت فقیه و انقلاب اسلامی را طرح نمود.

نکته: مقبولیت و مرجعیت علم فقه در فرهنگ عمومی جامعه ایران بوده است که موجب شد؛ بر اساس دو نظریه فقهی، دو انقلاب اجتماعی در یک قرن در ایران شکل بگیرد.

بنابراین: کارکردهای سیاسی - اجتماعی فقه شیعه در ایران مشروط به مقبولیت و مرجعیت علم فقه در فرهنگ عمومی جامعه ایران بوده است

فقه شیعه و جامعه مطلوب:

از نظر فقه شیعه جامعه ای مطلوب است که دارای دو ویژگی ذیل باشد:

- ✓ روابط و ساختارهای آن با مشارکت و همراهی مردم، عادلانه باشد.
- ✓ حاکمان و کارگزاران (عوامل اجرایی) جامعه عالم و عادل باشند (عالم به عدالت و عمل کننده به آن باشند).

میرزای نائینی - انقلاب مشروطه: امکان تحقق ویژگی اول جامعه مطلوب

میرزای نائینی؛ در آغاز قرن بیستم و در شرایط آن روز جامعه ایران، معتقد بود که ما نمی توانیم ویژگی دوم جامعه مطلوب را تحقق ببخشیم. به باور میرزای نائینی این ویژگی تنها با ظهور امان زمان (عج) تحقق پذیر است؛ چراکه یگانه حاکم عالم و عادل حضرت مهدی موعود می باشد که به اذن خداوند در زمان مقرر ظهور یافته و بر جهان اسلام حکمرانی خواهد نمود. اما میرزای نائینی در عین حال معتقد بود؛ ما می توانیم ویژگی اول را محقق کنیم تا مردم از طریق مجلس، سازمان ها و ساختارهای اجتماعی را به گونه عادلانه ای شکل دهند.

بر اساس نظریه میرزای نائینی: نظام مشروطه (نظامی که مجلس را برقرار می سازد)؛ هر چند نظام مطلوب در زمان غیبت امام معصوم (مام زمان عج) نیست اما بهترین نظام ممکن در شرایط موجود آن روزگار است.

از نظر میرزای نائینی: نظام مشروطه؛ به معنای مشروط کردن حاکمان و حکومتی است که در چارچوب مقررات عادلانه مجلس عمل کند. در نظام مشروطه؛ مردم با کمک مجلس شورا، ویژگی اول نظام اسلامی را محقق می کنند.

حکومت مشروطه: به معنای حکمرانی در چارچوب قوانین مجلس است. به این معنا که: حاکم دیگر نمی تواند بصورت خودسرانه، خودکامه و دلخواه حکومت کند. در حکومت مشروطه: حاکم نه آنگونه که خود می خواهد بلکه آنگونه که مجلس و قانون اساسی می خواهد، حکومت خواهد کرد.

حکومت مشروطه در مقابل حکومت خودکامه قرار می گیرد. در حکومت خودکامه، حاکم بصورتی کاملاً خودسرانه حکومت می کند، ارده و نظر شخصی او فصل الخطاب بوده و لازم الاجراست و قدرت و اختیارات حاکم؛ مشروط به هیچ قانون و قاعده ای نیست. اما در حکومت مشروطه؛ حکومت از حالت خودکامه درآمده و مشروط به قانون می شود و قدرت و اختیارات حاکم را نمایندگان مردم در مجلس تعیین می کنند.

در حکومت مشروطه؛ مقام شاه از ظل الله یا سایه خدا به نماینده قانون تبدیل می شود.

میرزای نائینی (۱۳۱۵-۱۳۳۹ هجری شمسی)، از نخستین اندیشمندانی بود که درباره لزوم قانون اساسی در دولت اسلامی سخن گفته است. کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله از آثار اوست.

امام خمینی(ره) - انقلاب اسلامی: امکان تحقق هر دو ویژگی جامعه مطلوب

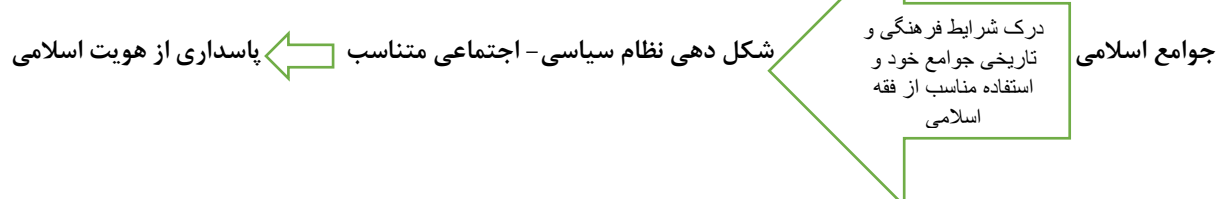
در پایان قرن بیستم امام خمینی (ره)، در ادامه تلاش و مبارزه برای تشکیل جامعه مطلوب به این نتیجه رسید که مردم ایران می توانند با مشارکت و حضور فعال خود، جامعه ای ایجاد کنند که هر دو ویژگی جامعه مطلوب را داشته باشد. یعنی هم قوانین آن عادلانه باشند و هم مجریان این قوانین از دو شرط علم و عدالت برخوردار باشند.

بر اساس نظر امام خمینی(ره)؛ مجلس شورای اسلامی با مشارکت نمایندگان مردم موظف است شرط اول جامعه مطلوب را محقق کند و مجلس خبرگان نیز موظف است شرط دوم جامعه مطلوب را تحقق بخشد؛ یعنی رهبر جامعه را بر اساس معیارهای اسلامی شناسایی و معرفی کند و بر عملکرد او نظارت نماید.

قاعده شکل دهی نظام های سیاسی - اجتماعی اسلامی در جوامع اسلامی:

جوامع اسلامی می توانند بنا به شرایط متفاوت فرهنگی و تاریخی خود، الگوهای متنوعی از نظام های سیاسی - اجتماعی اسلامی را پدید آورند. الگوی مشروطه میرزای نائینی در اوایل قرن ۲۰ میلادی و الگوی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی امام خمینی(ره) در اواخر قران میلادی ۲۰، محصول تلاش های نظری و عملی فقه شیعه (فقه سیاسی - اجتماعی شیعه) در ایران است. فقه اهل سنت نیز این امکان را دارد که نظام های سیاسی - اجتماعی متناسب با خود را پدید آورد.

جهان اسلام با استفاده مناسب از فقه اسلامی می تواند از هویت اسلامی خویش پاسداری کند.



بیانات امام خمینی (ره) درباره شکل دهی دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل و بیانات مقام معظم رهبری در راستای توجه به اقتضائات فرهنگی، تاریخی، سیاسی در هر یک از جوامع اسلامی، بر محور نکته کلیدی ذیل قابل تأمل می باشند:

تشکیل دولت هایی با اساس اسلامی و با الگوهایی بومی

توضیح: هر یک از کشورهای اسلامی می توانند در بستر و زمینه اسلامی، الگوها یا مدل های بومی و متناسب خود را ایجاد کنند. دولت های اسلامی در جوامع اسلامی مختلف قرار نیست عین هم باشند.

ویژگی ها و ظرفیت های علوم اجتماعی جهان اسلام:

سطوح تحلیل علوم اجتماعی جهان اسلام: (سطوح توصیفی / تبیینی / تجویزی / انتقادی)

علوم اجتماعی در جهان اسلام به سطوح تجویزی و انتقادی محدود نمی شود، بلکه سطوح توصیفی و تبیینی هم دارد.

موضوع علوم اجتماعی از دیدگاه عالمان مسلمان:

الف) علامه طباطبائی و موضوع علوم اجتماعی: (اعتباریات؛ بعنوان موضوع علوم اجتماعی)

علامه طباطبائی با طرح مسأله اعتباریات؛ تعریف دقیق تری از موضوع علوم اجتماعی ارائه کرده است. از نظر علامه طباطبائی؛ اعتباریات یا همان پدیده های قراردادی و اعتباری در جامعه؛ موضوع علوم اجتماعی هستند.

دو سطح عقلانیت از دیدگاه علامه طباطبائی:

الف) عقل نظری: به شناخت « هست ها » می پردازد و با روش حسی - تجربی، هستی های طبیعی را می شناسد. احکام و قواعد ریاضی و متافیزیکی را در می یابد. این سطح از عقلانیت؛ علوم طبیعی، ریاضی و فلسفه (متافیزیک) را شکل می دهد.

ب) عقل عملی: بایدها و نبایدها و احکام ارزشی (خوب / بد) را می شناسد و درباره ارزش های فردی و اجتماعی داوری می کند. بعنوان مثال: عدالت را خوب و ظلم را بد ارزیابی می کند.

عقل عملی به انسان در انجام عملش یاری می رساند و در این مسیر پدیده هایی را ایجاد می کند. علامه طباطبائی این پدیده ها را اعتباریات (پدیده های اعتباری یا قراردادی) می نامد.

اعتباریات (پدیده های اعتباری یا قراردادی) دو ویژگی دارند:

الف) با خواست و اراده انسان ها بوجود می آیند.

ب) پس از شکل گیری؛ دارای آثار و پیامدهای غیرارادی می گردند.

مثال: پدیده هایی مانند جامعه، خانواده، قانون، مدرسه، آداب و رسوم، سنت ها و ... از جمله اعتباریات یا پدیده های اعتباری هستند. چراکه؛ اولاً با بصورت خودبخودی و طبیعی وجود نداشته اند بلکه انسان ها با خواست و اراده آنها را ایجاد کرده اند. ثانیاً آثار و پیامدهای غیرارادی و برنامه ریزی نشده دارند... مثال: پدیده هایی مانند خانواده، مدرسه و ... علاوه بر پیامدهای قابل پیش بینی؛ دارای پیامدهای غیرارادی و غیرقابل کنترل نیز هستند.

عقل عملی ← اعتباریات (پدیده های قراردادی / اعتباری) (پدیده هایی که موضوع مورد مطالعه علوم اجتماعی هستند)

(ب) فارابی و موضوع علوم اجتماعی: (واقعیت های اجتماعی؛ بعنوان موضوع علوم اجتماعی)

فارابی موضوع علم مدنی (علوم اجتماعی) را واقعیت های اجتماعی می داند. منظور از واقعیت های اجتماعی از نظر فارابی؛ پدیده هایی هستند که با آگاهی و اراده انسانها ایجاد می شوند.

فارابی علم مدنی یا همان علوم اجتماعی را در مقابل علمی قرار می دهد که موضوع آنها مستقل از اراده انسانها وجود دارد.

تعامل علوم اجتماعی جهان اسلام با علوم اجتماعی مدرن غربی

مزایا:

- ✓ این تعامل موجب می شود؛ عالمان مسلمان بتوانند برای شناخت مسائل اجتماعی از نظریات جدید بهره گیرند.
- ✓ این تعامل موجب می شود؛ زمینه طرح نظریات جدید در علوم اجتماعی جهان اسلام فراهم گردد.
- ✓ این تعامل موجب می شود؛ متفکران مسلمان این امکان را بیابند که علوم اجتماعی جهان اسلام را گسترش دهند و علاوه بر توصیف و تبیین مسائل جهان اسلام، مسائل جامعه جهانی را هم تحلیل کنند و برای برون رفت از بحران هایی مانند بحران آگاهی و بحران معنا در غرب؛ راه حل ارائه دهند.

ویژگی های علوم اجتماعی جهان اسلام در مقایسه با علوم اجتماعی جهان متجدد:

- ✓ علوم اجتماعی جهان اسلام؛ متناسب با معنای علم در جهان اسلام است.
- ✓ علوم اجتماعی جهان اسلام برای توصیف و تبیین مسائل اجتماعی؛ علاوه بر منابع و روش های تجربی از منابع و روش های عقلانی و وحیانی نیز استفاده می کند. (کاربرد روش های تجربی / عقلانی / وحیانی، در توصیف و تبیین پدیده های اجتماعی).
- ✓ عقلانیت مورد استفاده در جهان اسلام؛ علاوه بر آنکه با داده های حسی و تجربی و همچنین با هنجارها، ارزش ها و آرمان های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی پیرامون خود تعامل فعال دارد؛ آنها را مورد ارزیابی انتقادی قرار می دهد. (یعنی: عقلانیت جهان اسلام؛ ضمن اهمیت دادن به داده های حسی-تجربی و ضمن لحاظ نمودن ارزش ها و آرمان های پیرامون خود؛ آنها را در عین حال؛ خطا پذیر و انحراف یاب نیز قلمداد می کند.. بنابراین؛ عقلانیت الهی محور جهان اسلام؛ بعنوان عقلانیتی پویا، پیشرو و جهانی اندیش؛ فارغ از تعصب و پیش داوری؛ ضمن توجه و لحاظ نمودن داده های تجربی و یافته های ارزشی و هنجاری پیرامون خود؛ آنها را قابل نقد و ارزیابی نیز می داند.
- ✓ عقلانیت در جهان اسلام؛ با وجود تعامل با فرهنگ و سنت های تاریخی محیط خود، ارزش ها و اعتبار روشنگرانه خود را از متن فرهنگ و کنش های عاملان نمی گیرد، بلکه عاملان با استفاده از این عقلانیت، به گونه ای مستقل به ارزیابی فرهنگ و تاریخ مربوط به خود می پردازند. (یعنی: عقلانیت در جهان اسلام؛ صرفاً از دل اقتضائات فرهنگی و تاریخی محیط خود برنیامده است چرا که در اینصورت بُرد روشنگری و هدایت گری آن محدود به همان محیط خود می شد. درست این است که بگوییم؛ عقلانیت جهان اسلام ضمن ارتباط با فرهنگ و سنت های تاریخی محیط خود و درک اقتضائات و نیازهای آنها؛ قدرت هدایت گری خود را از حقایق جهانشمول الهی می گیرد و به همین دلیل بُرد روشنگری آن شامل تمامی انسان ها و جوامع بشری می باشد. در عقلانیت جهان اسلام؛ ملاک ها و شاخص

های عقلانی بودن امور در اصل از حقایق لایزال الهی سرچشمه می گیرند). به همین دلیل است که عاملان انسانی بواسطه تجهیز به این عقلانیت، توان عبور از تعصبات فرهنگی و تاریخی و امکان نقد آنها را می یابند.

✓ عقلانیت جهان اسلام؛ در تولید دانش علمی درباره محیط فرهنگی و اجتماعی، نقش محوری دارد. ولی همه عرصه های علمی را به تنهایی سامان نمی دهد، بخشی از آن را به کمک حس و تجربه زیسته و بخشی دیگر را با استفاده از وحی سامان می بخشد. (یعنی: عقلانیت جهان اسلام؛ عقلانیتی انتزاعی و بیگانه با روش های انسان ساخته مانند: روش های حسی - تجربی و ... نیست. بلکه؛ این عقلانیت ضمن اینکه پایه در حقایق الهی دارد، در تولید دانش علمی و به اقتضای موضع مورد بررسی؛ از روش های مختلف حسی / تجربی / وحیانی بهره می گیرد).

✓ علوم اجتماعی جهان اسلام؛ علاوه بر تبیین وضعیت موجود جهان اسلام؛ درباره وضعیت مطلوب و آرمانی جامعه اسلامی و همچنین جامعه جهانی نیز داوری خواهد کرد و راه های برون رفت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را شناسایی می کند. (یعنی علوم اجتماعی جهان اسلام؛ علاوه بر سطوح توصیفی و تبیینی؛ دارای سطوح انتقادی و تجویزی نیز می باشد).

نکته : بطور خلاصه می توان گفت: عقلانیت جهان اسلام؛ تمامی انسان ها و جوامع را مخاطب خود قرار می دهد و بعنوان عقلانیتی فرازمانی و فرامکانی؛ شاخص ها و ملاک های عقلانی بودن امور را از حقایق جهانشمول الهی می گیرد. عقلانیت جهان اسلام بعنوان عقلانیتی حقیقت اندیش؛ بُرد روشنگری و قدرت هدایت گری بسیارفراتری از عقلانیت مصلحت اندیش صرفاً این جهانی دنیای متجدد دارد.

ظرفیت ها و کارکردهای علوم اجتماعی جهان اسلام (توان تفسیر / تبیین / انتقاد و تجویز)

- توان فهم، تفسیر و توصیف پدیده های اجتماعی را دارد.
- توان تبیین پدیده های اجتماعی را دارد. (توان شناخت علل شکل گیری و پیدایش پدیده های اجتماعی).
- توان داوری درباره ارزش ها، هنجارها و آرمان های فرهنگ های مختلف را دارد. (توان داوری انتقادی)
- درباره جامعه آرمانی سخن می گوید.
- با توصیف و تبیین وضعیت موجود، راه های برون رفت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را شناسایی می کند. (توان تجویز وضعیت مطلوب).

اندیشمندان مهم مسلمان:

همانند شرق جهان اسلام در غرب جهان اسلام نیز اندیشمندان مهمی مطرح بوده اند. ابن عربی و ابن رشد از مهم ترین علمای گذشته و محمد عابدالجابری و طه عبدالرحمن از برجسته ترین متفکران معاصرند.

طه عبدالرحمن می کوشد با نگاهی منتقدانه به نوگرایی؛ از مشروعیت نوگرایی اسلامی سخن به میان آورد. از مهم ترین آثار نوآورانه این اندیشمند می توان به نظریه نوگرایی اسلامی، نظریه کنش دینی و نظریه مقاومت اشاره کرد.

مروری بر مباحث مربوط به عقلانیتک

عقل درمعنای عام : به هر گونه تلاش ذهنی و علمی گفته می شود.

عقل در معنای خاص : نیرویی که انسان به کمک آن حقایق و قواعد جهان را می شناسد.

عقل در معنای خاص، بر اساس موضوع مورد مطالعه، به انواع مختلف تقسیم می شود:

الف) عقل نظری: (عقل مربوط به شناخت واقعیت های مستقل از انسان ها): واقعیت هایی را که مستقل از آگاهی و اراده انسان وجود دارند؛ شناسایی می کند و علمی مانند فلسفه، ریاضیات و طبیعیات را پدید می آورد. مثال: قانون علیت در فلسفه و قانون جاذبه در فیزیک با این عقل شناخته می شوند.

مثال: در طبیعت و جامعه هیچ رخدادی، خودبخودی و بدون علت رخ نمی دهد. (گزاره ای از عقلانیت نظری).

ب) عقل عملی: (عقل مربوط به شناخت واقعیت های انسان ساخته): واقعیت هایی را که با آگاهی و اراده انسان بوجود می آیند را شناسایی می کند. واقعیت هایی مانند ارزش ها و آرمان های اجتماعی. بنوان مثال: خوب بودن عدالت و بد بودن ظلم با این نوع عقلانیت شناسایی می شود. این عقل؛ علوم انسانی و اجتماعی را پدید می آورد.

مثال: هرگز جامعه ای بدون تأمین میزانی از عفت، شجاعت، حکمت و عدالت، روی سعادت دنیوی و اخروی را نخواهد دید. (گزاره ای از عقلانیت عملی).

نکته: تفکیک عقلانیت به عقل نظری و عملی به موضوع شناسایی (موضوع بررسی و شناخت) آنها بر میگیرد. موضوع شناسایی عقل نظری؛ پدیده های تکوینی، طبیعی و مستقل از انسانهاست و موضوع شناسایی عقل عملی؛ پدیده های قراردادی، اعتباری و انسان ساخته است.

مقایسه علوم اجتماعی جهان اسلام با علوم اجتماعی جهان متجدد غرب:

علوم اجتماعی جهان اسلام	علوم اجتماعی جهان متجدد
از سطوح مختلف عقل استفاده می کند و تبیین را به تبیین تجربی محدود نمی کند.	تبیینی
تفسیر را نوعی تبیین و استدلال عقلانی می شمارد و به همین دلیل تفسیر و تبیین در تقابل با هم قرار نمی گیرند.	تفسیری
از ظرفیت جهانشمول عقل نظری، عقل عملی و وحی برای داوری ارزش ها استفاده می کند.	انتقادی

توضیح:

الف) اندیشمندان مسلمان با شناخت تفاوت پدیده های اعتباری و پدیده های تکوینی، علوم اجتماعی را شبیه علوم طبیعی نمی دانند. به همین دلیل علوم اجتماعی آنان از نوع تبیینی نیست. (رویکرد تبیینی پدیده های اجتماعی را همانند پدیده های طبیعی فرض می کرد. این در حالیست که علوم اجتماعی جهان اسلام میان پدیده های طبیعی و اجتماعی تمایز قائل است).

ب) اندیشمندان مسلمان؛ دانش علمی را به دانش حسی و تجربی محدود نمی کنند. از اینرو برخلاف رویکرد تفسیری، تفسیر را در تقابل با تبیین نمی دانند. بلکه هر تفسیری را نوعی تبیین به شمار می آورند؛ زیرا تفسیر را هم نیازمند استدلال می دانند. (رویکرد تفسیری میان تبیین و تفسیر تمایز قائل می شود. کارکرد تبیین را پیش بینی و کنترل پدیده ها (تولید علم) و کارکرد تفسیر را معنا بخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی می داند. این در حالیست که علوم اجتماعی جهان اسلام، تمایزی میان تفسیر و تبیین قائل نیست).

ج) رویکرد انتقادی برای داوری ارزش ها به معیار جهانشمولی که فراتر از محصولات اجتماعی و تاریخی انسانها باشد، دسترسی ندارد. (داوری ارزش ها با ملاک های صرفاً این جهانی و دنیوی)، اندیشمندان مسلمان برای داوری درباره ارزش ها از ظرفیت عقل نظری، عقل عملی و وحی بهره می برند. از نظر آنان تبیین، تفسیر و تجویز، استدلال های ویژه خود را دارند و در هر سه سطح پژوهشگر اجتماعی بدنبال کشف واقعیت ها و حقایق است (داوری ارزشی با ملاک های الهی علاوه بر ملاک های این جهانی و دنیوی).

..... برای مطالعه

مقایسه عقلانیت جهان اسلام و عقلانیت جهان متجدد غربی

عقلانیت جهان اسلام	عقلانیت جهان متجدد غربی
حقیقت اندیش این جهانی و آن جهانی	مصلحت اندیش صرفاً این جهانی
فرافرهنگی و فراتاریخی	مشروط به فرهنگ و تاریخ پیرامون خود
هدایت بخش و روشنگر شعور جمعی افراد	متناسب با شعور جمعی افراد
متعهد به حقایق الهی	مقید به واقعیات دنیوی